پیشخوان

تاریخ معاصر ایران در آئینه مشهودات رهبر کبیر انقلاب اسلامی

«تلخ و شیرین» تاریخ انقلاب به روایت امام

■ محمدرضا کائینی

اثری که در این مجال به معرفی آنیم، مجمعی از خاطرات منقول امام خمینی بنیانگذار جمهوری اسلامی است، که در آثار و به ویژه بیانات خود، به طرح آن پرداخته‌اند. این مجموعه توسط مؤسسه فرهنگی «قدرولایت» تدوین یافته، منتشر شده و در اختیار علاقمندان قرار گرفته است. ناشر در دیباچه این خاطرات تاریخی و در باب اهمیت آن، چنین آورده است:

«وظیفه تحقیق، تدوین و نگارش حقایق تاریخی، بسیار سنگین و دشوار است و بیش از هر چیز تقوی، صداقت و امانتداری لازم دارد، چیزی که متأسفانه در تاریخ‌نویسان و ناقلان حوادث و وقایع بسیار کم بوده است و لذا تاریخ بشری انباشته است از تحریفات و دروغ‌ها و این لکه ننگی بر دامن بشریت است. تاریخ انقلاب اسلامی ایران، با این همه کینه‌توزی و دشمنی قدرت‌های بزرگ علی‌الخصوص امریکا و صهیونیسم و وجود ورشکستگان سیاسی سر در آخور غرب، از توطئه تحریف در امان نیست. وجود دروغ‌پراکنی‌های رسانه‌های گروهی غرب و اذناب آنان در زمانی که نسل انقلاب کرده، هنوز بر مسند و مصدر کار حضور دارد، نشان می‌دهد که نسل آینده که انقلاب را بروایت گذشتگان خواهد نگریست، تا چه میزان در خطر قلب واقعیت‌ها قرار دارد. بنیانگذار جمهوری اسلامی، حضرت امام خمینی(قده)، با آن روشن‌بینی و آینده‌نگری این مسئله را گوشزد فرموده و در حکم خویش به حجت‌الاسلام و المسلمین سیدحمید روحانی فرموده‌اند: شما به عنوان یک مورخ، باید توجه داشته باشید که عهده‌دار چه کار عظیمی شده‌اید. اکثر مورخین، تاریخ را آن گونه که

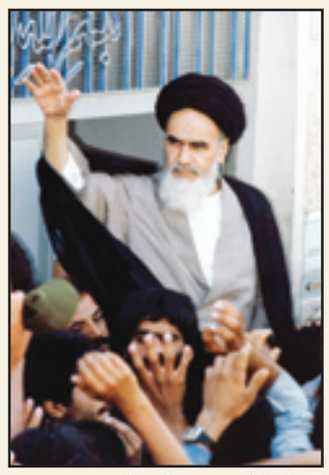

۱۳۵۸. امام خمینی در یک دیدار عمومی در دوران اقامت در شهر قم

مایلند یا بدان گونه که دستور گرفته‌اند می‌نویسند، نه آن گونه که اتفاق افتاده است. از اول می‌دانند که کتابشان بناست به چه نتیجه‌ای برسد و در آخر به همان نتیجه هم می‌رسند. از شما می‌خواهم هر چه می‌توانید، سعی و تلاش نمایید تا هدف قیام مردم را مشخص نمایید، چراکه همیشه مورخین اهداف انقلاب‌ها را در مسلخ اغراض خود یا اربابانشان ذبح می‌کنند...

بی‌تردید باید خاطره‌ها، حکایت‌ها، وقایع تلخ و شیرین انقلاب اسلامی، از حاضران صادق و مؤمنان به این انقلاب، سینه به سینه و در سطور کتاب‌ها، فیلم‌ها و نوارها به نسل آینده انتقال یابد، تا انقلاب اسلامی همواره آنچنان که بوده و هست، قلوب نسل‌ها را به اسلام ناب محمدی(ص) منور و مؤمن و بر علیه طواغیت زمان در صحنه نگهدارد. امام عظیم‌الشأن که خود پایه‌گذار انقلاب اسلامی و به ثمر رساننده آن و هدایت‌گر آن در دشوارترین و حساس‌ترین زمان‌ها بوده‌اند، ارجح‌ترین کسی هستند که می‌توانند روح و سمت و جلوه‌های این انقلاب را بیان نمایند. حضرت امام در بسیاری از بیانات خویش، به فرازهایی از وقایع انقلاب اسلامی، چه تلخ و چه شیرین آن، اشاره فرموده و دیده‌ها و شنیده‌های خویش را از حوادث قبل از انقلاب، که به نحوی به جریان انقلاب اسلامی مربوط می‌شود بیان فرموده‌اند. مجموعه این خاطره‌ها و حکایات نقل شده توسط امام راحل، که رسماً در رسانه‌های جمعی انتشار یافته است، علاوه بر کمک بر تحقق ثبت و انتقال وقایع انقلاب اسلامی، حالت و جذابیت حکایتی نیز پیدا می‌کند و نتایجی که ایشان با توجه به احاطه خویش، بر آنها مترتب نموده‌اند، برسمت‌گیری صحیح و درک نتایج درست از وقایع کمک می‌کند. این مجموعه در اختیار حاضران در صحنه دفاع از انقلاب اسلامی ایران قرار داده می‌شود و ان‌شاءالله با مرور و نقل این حکایت‌ها، در حفظ سینه به سینه آنها نقش خود را به انجام رسانیم...».

دهه ۸۰. عیادت رهبر معظم انقلاب اسلامی از آیت‌الله‌العظمی فاضل لنکرانی در یکی از بیمارستان‌های تهران

جلوه‌هایی از سیره علمی و عملی زنده‌یاد آیت‌الله‌العظمی محمدفاضل لنکرانی در آئینه ۳ روایت

او حفظ خط امام را در اطاعت از رهبری می‌دانست

■ احمدرضا صدری

در روزهایی که بر ما می‌گذرد، از سالگشت رحلت مرجع مجاهد و انقلابی، زنده یاد آیت‌الله‌العظمی محمدفاضل لنکرانی عبور می‌کنیم. هم از این‌روی یادمان‌ها و تذکارهایی از سیره عملی آن عالم نامور را از زبان معاشران وی به روایت و تحلیل نشسته‌ایم. امید آنکه حوزه پژوهان و عموم علاقمندان را مفید و مقبول آید.

■■■

■ او موجب شد که در حوزه‌ها، از نام و آثار امام بیشتر یاد شود

آیت‌الله رضا استادی از استادان و محققان پرسابقه حوزه علمیه قم، بر این باور است که تلاش و تکاپوی زنده یاد آیت‌الله‌العظمی محمدفاضل لنکرانی، در طول ده‌ها سال، معطوف به تقویت و توسعه این کانون علمی بوده است. به گونه‌ای که تربیت هزاران شاگرد و تألیف ده‌ها اثر علمی، از دستاوردهای آن به شمار می‌رود. وی همچنین سلوک اخلاقی آن دانشمند پرآوازه را، موجب تربیت طلاب و اطرافیان قلمداد می‌کند و در این‌باره می‌گوید:

«بسیاری از صفات برجسته اخلاقی و انسانی، در افراد گوناگون قابل مشاهده است، اما ایشان مجموعه‌ای از این صفات را یکجا در خود داشتند و لذا از این جنبه، کم‌نظیر بودند. ایشان در بیت پدری مجتهد و مادری از تبار صالحان و بزرگان، پرورش یافتند و بدیهی است که این موضوع، مهم‌ترین عامل در شکل‌گیری پایه‌های تربیتی ایشان بوده است. مرحوم والد ایشان، مورد توجه خاص آیت‌الله‌العظمی بروجردی بودند و غیرت دینی و حساسیت نسبت به روحانیت و مسائل دینی در ایشان، فوق‌العاده بالا بود. این گوهر گرانبها به فرزندشان نیز به ارث رسید، لذا مرحوم آیت‌الله فاضل لنکرانی نیز در این زمینه، از حساسیت بسیار بالایی برخوردار بودند. یک بار رئیس شهربانی در دوره والد ایشان، به طلاب توهین کرد و ایشان واکنش بسیار مناسبی نشان دادند، به‌طوری که هر کسی که شنید، لب به تحسین گشود! آیت‌الله فاضل صاحب استعداد و قریحه سرشاری بودند، به‌طوری که درس‌های آیت‌الله العظمی بروجردی را به گونه‌ای تقریر کردند که ایشان با آنکه فوق‌العاده مشکل‌پسند بودند، این تقریر را تأیید و تشویق کردند. این بزرگوار در تدریس هم، کم‌نظیر و مورد توجه، علاقه و اقبال طلاب و فضلا بودند. همواره بر محتوای درس تسلط داشتند و بیانشان روشن و صریح بود. با آرامش و طمأنینه تدریس می‌کردند، به‌طوری که جای کمترین ابهام و سؤالی در طلبه باقی نمی‌ماند و درس را کاملاً یاد می‌گرفت. ایشان از محضر سه استاد خود یعنی: آیت‌الله‌العظمی بروجردی، حضرت امام خمینی و حضرت علامه طباطبایی نهایت بهره را بردند و مورد تأیید و توجه هر سه استاد بودند و توانستند آرای آنان را به درستی و با دقت به دیگران منتقل کنند. سبک ایشان در تدریس خارج فقه و اصول هم، مانند استادشان آیت‌الله العظمی بروجردی بود و همان سبک را دنبال می‌کردند. حضرت امام هم همین سبک را می‌پسندیدند و در تدریس دنبال می‌کردند. سبک تدریس آیت‌الله العظمی بروجردی در خارج فقه و اصول، در حوزه قم و حتی حوزه نجف هم، تحول اساسی ایجاد کرد. آیت‌الله فاضل لنکرانی شاگردان بسیار خوبی را هم تربیت کردند که هر یک از افتخارات حوزه هستند. در حوزه کسانی که خوب درس می‌خوانند، ضرورتاً توانایی خوب تقریر کردن را ندارند، اما آیت‌الله فاضل بحث صلاه آیت‌الله العظمی بروجردی و برخی تقریرهای دیگر را با چنان صحت و دقتی انجام دادند که استاد ایشان را مورد تأیید و تشویق قرار دادند. امروز هم آثار ایشان، ذخیره خوبی برای حوزه‌هاست و همواره مورد استفاده اهل علم خواهد بود. همچنین هر کسی که خوب تدریس و حتی تقریر می‌کند، ضرورتاً مؤلف خوبی نیست، اما تألیفات ایشان از جمله «موسوعه تفصیل الشریعه» در بیش از بیست جلد، کتب ایشان در قواعد فقهی و نیز در مقدمات تفسیر و علوم قرآنی، ایشان را در زمره مؤلفین ممتاز در آورده است. ایشان بیش از ۵۰ سال، به تدریس و نگارش مباحث فقهی و علمی اشتغال داشتند و این امور، جزو مشاغل عادی ایشان محسوب می‌شد. مطالبشان را بسیار راحت و با نظم و ترتیب خاصی می‌نوشتند و نیازی به پاکنویس نداشتند و در مطالب ایشان، کمتر خط‌خوردگی دیده می‌شد. ایشان به دلیل علاقه و ارادت خاصی که به امام داشتند، تحریرالوسیله ایشان را برای موسوعه فقه خود، متن قرار دادند تا بدین وسیله در طول سالیان طولانی تدریس، هم همواره نام امام را بر زبان داشته باشند و هم از امام و کتاب امام در حوزه‌ها بیشتر یاد شود. ایشان فوق‌العاده متواضع، خاکی و به همین دلیل محبوب بودند. طلاب مخصوصاً وقتی از فردی در آن جایگاه علمی بالا، چنین رفتاری را می‌دیدند، تأثیر آن رفتار چندین برابر می‌شد. محفل انس ایشان با دوستان، بسیار بی‌تکلف، بانشاط و شیرین بود و همین سبب گردیده بود که ایشان حتی در جایگاه مرجعیت شیعه هم با دوستان و ارادتمندان قدیمی، همان برخورد دوره‌های قبل را داشته باشند. ایشان به‌رغم استغراق در مباحث علمی و درس و بحث و مرجعیت که بخش اعظم وقت ایشان را به خود اختصاص می‌داد، تا جایی که امکان و فرصت فراهم بود، به امور اجرایی حوزه و حوزویان رسیدگی می‌کردند و سال‌ها در رأس مدیریت حوزه، وقت گذاشتند و در برنامه‌ریزی‌ها و اصلاحات حوزه نقش تعیین‌کننده داشتند...».

آیت‌الله‌العظمی محمد فاضل لنکرانی

> **آیت‌الله رضا استادی: «آیت‌الله فاضل به دلیل علاقه و ارادت خاصی که به حضرت امام داشتند، کتاب تحریرالوسیله ایشان را برای موسوعه فقهی خود که به نام تفصیل الشریعه نشر یافت، متن قرار دادند تا بدین‌وسیله در طول سالیان طولانی تدریس، هم همواره نام امام خمینی را بر زبان داشته باشند و هم از امام و کتاب ایشان در حوزه‌ها بیشتر یاد شود...»**

■ او از بدو نهضت اسلامی، پشت سر امام قرار داشت

آیت‌الله حاج‌شیخ محمدجواد فاضل لنکرانی، فرزند و شاگرد دانشمند آیت‌الله‌العظمی محمد فاضل لنکرانی است. ذهن و ضمیر او آکنده از خاطرات ارزنده‌ای است که پژوهندگان حیات آن اندیشمند والا را به کار خواهد آمد. وی در گفتار پی‌آمده، سعی دارد تا شمه‌ای از منش پدر را به ویژه در حوزه سیاست و مبارزه تبیین نماید:

«مرحوم والد در زندگی، مجاهدت و تلاش‌های بسیاری داشتند و از ۱۳ سالگی وارد حوزه علمیه شدند. شش سال بعد از آن، در درس خارج آیت‌الله بروجردی شرکت کردند و در ۲۴ سالگی، نگارش اولین کتاب خود را به پایان رساندند. ایشان ۱۱ سال در درس امام راحل و ۹ سال در درس آیت‌الله بروجردی شرکت کردند. امام بسیار به ایشان علاقه‌مند بودند و نظریاتشان را قبول داشتند، به طوری که در ایام تبعید نیز، مرحوم والد بعضی از کتاب‌ها را برای ایشان ارسال می‌کردند و بعد از تأییدشان به چاپ می‌رساندند. جدّ ما و مرحوم والد ایشان نیز، از شاگردان برجسته مرحوم آیت‌الله حائری یزدی احیاگر حوزه علمیه قم بود و در یک خانواده علمی تربیت یافتند و همراهی با افراد و اساتید عالم و علاوه بر اینها نبوغ و استعدادشان، باعث پیشرفت و موفقیت‌شان بود. در درس خارج اصول، با تکیه بر ذهن خود و بدون هیچ یادداشتی، نظریات علما را با ذکر شماره جلد و شماره صفحه عنوان می‌کرد که نشانه تسلط کم نظیر ایشان است. راز جذب این همه شاگرد به مرحوم والد، در این بود که ایشان مطالب را دقیق، عمیق فهمیده بود و این درک عمیق را به همراه یک بیان منحصربه‌فرد ارائه می‌داد. مؤانست علمی آیت‌الله فاضل لنکرانی با امام راحل، موجب درک عمیق مبانی امام توسط ایشان شد و این مهم‌ترین علت، در گرایشات سیاسی مرحوم والد بود. آیت‌الله فاضل لنکرانی بیان می‌کردند، از روزی که امام نهضت اسلامی را آغاز کرد، ما پشت سر ایشان بودیم و تا حالا در ضرورت کار امام تردید نکرده‌ام، نه تنها تردید نکرده‌ام، بلکه به ضرورت کار امام بیشتر اعتقاد پیدا کرده‌ام. با توجه به اینکه آیت‌الله فاضل شناخت کافی از علم و شجاعت امام راحل داشتند، از نظر سیاسی نیز امام را قبول داشتند و با تمام وجود و توان، بر پیروی از ایشان تأکید می‌کردند و بعد از ارتحال امام نیز، خط امام را حفظ کرده و رهبری مقام معظم رهبری را پذیرفتند. از جنبه رفتار اجتماعی نیز، همیشه با گشاده رویی با مردم رفتار و با همه طبقات مردم یکسان برخورد می‌کرد و بسیار حُسن سلوک داشت. به شدت در مسئله معیشت و اقتصاد مردم، به خصوص قشر ضعیف جامعه حساس بود و در صورت باخبر شدن از گرانی و گرفتاری مردم، ناراحت می‌شد و پیوسته به مسئولان درباره مردم تذکر می‌داد. یکی دیگر از ابعاد شاخص منش ایشان، توجه به فقرا و مستمندان بود و از همان دوران جوانی، مخصوصاً در ماه مبارک رمضان، بسته‌های غذایی بین نیازمندان تقسیم می‌کرد. ایشان یکی از احیاگران فاطمیه بود و معتقد بود که فاطمیه را باید عاشورایی برگزار کرد و در اواخر عمرشان همواره به یاد حضرت زهرا(س) بودند که رحلت ایشان مصادف با روز شهادت آن بانوی بزرگوار بود. ایشان در وصیت‌نامه خود نیز بر برگزاری مراسم فاطمیه تأکید نموده است و همچنین در وصیتنامه‌اش نوشته است: من پیام‌های زیادی داده‌ام، اما یکی از آن چیزهایی که به آن افتخار می‌کنم و در عالم برزخ به آن امید دارم، پیام‌هایی است که راجع به فاطمه زهرا(س) داده‌ام...».

> **آیت‌الله محمدجواد فاضل لنکرانی: «مرحوم والد نقل می‌کردند از روزی که امام نهضت اسلامی را آغاز کرد، من پشت سر ایشان بودم و تا حالا هم در ضرورت کار امام تردید نکرده‌ام، نه تنها تردید نکرده‌ام، بلکه به ضرورت کار امام بیشتر اعتقاد پیدا کرده‌ام... با توجه به اینکه آیت‌الله فاضل شناخت کافی از علم و شجاعت امام راحل داشتند از نظر سیاسی نیز امام را قبول داشتند و با تمام وجود و توان، بر پیروی از ایشان تأکید می‌کردند و بعد از ارتحال امام نیز خط امام را حفظ کرده و رهبری مقام معظم رهبری را پذیرفتند...»**

■ او از اصل نظام اسلامی، حمایتی قاطع و دائمی داشت

حجت‌الاسلام والمسلمین شیخ حسن رمیثی، از فضلای لبنانی حوزه علمیه قم به شمار می‌رود که هم اینک، در بیروت به سر می‌برد و به انجام وظایف دینی و تبلیغی خویش مشغول است. وی در زمره شاگردان و اعضای جلسه استفتای آیت‌الله‌العظمی فاضل لنکرانی بوده و طی سالیانی، با آن بزرگ ارتباط نزدیک داشته است. وی پس از سال‌ها، سیره استاد را به شرح ذیل آمده توصیف کرده است:

«بنده پس از رحلت آیت‌الله‌العظمی اراکی، به جلسه استفتاء آیت‌الله تبریزی راه یافتم. در این جلسه آقایان: محمدتقی شهیدی، مهدی گنجی، سپهر، سیدصالح حکیم و عده‌ای دیگر از فضلا حضور داشتند. از همین دوره با آقای حاج آقا جواد فاضل لنکرانی هم بیشتر آشنا شدم و ایشان مرا برای حضور در جلسه استفتاء آیت‌الله فاضل لنکرانی، دعوت کردند که در آن جلسه، حضور حاج آقا جواد و آقای عطایی را به یاد دارم. بهتر است تا خاطره‌ای را برایتان نقل کنم، تا روحیه مرحوم آیت‌الله‌العظمی فاضل را بیشتر درک کنید. روزی عازم سفر حج، برای حضور در بعثه آیت‌الله‌العظمی میرزا جواد آقا تبریزی بودم که مرحوم آیت‌الله‌العظمی فاضل از سفر من مطلع شدند و به فرزند بزرگوارشان (آیت‌الله شیخ جواد فاضل) فرمودند: شیخ رمیثی به حج می‌رود، به خانواده‌اش توجه کن و ببین اگر به چیزی احتیاج دارند، در این مسئله کوتاهی نکن!... این سلوک، نشان دهنده طبع عالی این شخصیت است. ایشان همواره به شاگردانش کمک می‌کردند و آنها را دوست داشتند. این مرجع فقید، واقعاً روحیه بسیار بزرگی داشتند و من هم با تمام وجود در خدمتشان بودم. در مدت زمانی که خدمت این بزرگوار بودم، دو خصیصه بارز را در ایشان دیدم: یکی اینکه، مربّی واقعی بود و دیگر اینکه، در تمام امور اخلاص داشت. مربی به این معنا که واقعاً استاد بود و در درسش طلبه واقعی تربیت می‌شد. ایشان همواره شاگردان را بر تحصیل جدّی ترغیب می‌کردند. همچنین در تمام مراحل درسی، اخلاص داشتند و این اخلاص باعث می‌شد، تا آموزش‌هایشان از قلب به قلب باشد، یعنی فقط تعلیم ظاهری نبود، بلکه در رفتار و باطن آنان هم تأثیر می‌گذاشت. ایشان نه تنها حسن بیان داشتند، بلکه دارای نظر و فکر روشن هم بودند. از سوی دیگر، مرجعیت‌شان بسیار بزرگ و قدرتمند بود. در خانه ایشان به روی تمامی مردم باز بود و آنان به ایشان، بسیار زیاد مراجعه می‌کردند که این مراجعه، دلیلی بر ارتباط جدی مرجعیت ایشان با مردم بود. خود ایشان از مردم استقبال می‌کردند و هر کس کمکی نیاز داشت یا سؤالی داشت، با برخوردی گرم روبه‌رو می‌شد. حضرت استاد همواره، خود را یکی از مردم ترسیم می‌کردند، نه بزرگ‌تر و بالاتر از مردم و لذا براساس ادبیات و موقعیت هر شخص و جایگاهش، با او هم زبان می‌شدند و به گونه‌ای سخن می‌گفتند که متوجه شود. بنابر این واقعاً، ایشان یک الگوی واقعی بودند و همچون یک مدرس توانا عمل می‌کردند. می‌توان در تمامی مراحل و مواضع، اعتدال را در وجود ایشان دید، چه در جهت اعلام حمایت از نظام اسلامی و چه در مباحث اجتماعی. در جریان اتفاقات سیاسی و حوزوی آن سال‌ها، نه به دامن افراط افتادند و نه تفریط. ایشان حاضر نبودند که به کلیت نظام اسلامی در ایران خدشه وارد شود. از کلیت نظام دفاع می‌کردند، بدون اینکه حمایت از اشخاص مدنظرشان باشد. روزی به ایشان گفتم: شما چرا از فلان فرد حمایت کردید و او را تأیید نمودید؟ فرمودند: شما می‌دانید که امروز جمهوری اسلامی در خطر است و اگر آن را تقویت نکنیم، ضعیف می‌شود و این عملِ من به خاطر نظام است... ایشان همچنین به هنگام حج، بیانیه قاطعانه‌ای را علیه امام جماعت مسجدالنبی صادر کردند که سخن تندی را علیه شیعیان بیان کرده بود و لذا در همان ایام به من فرمودند: برایم اهمیت ندارد که جلوی برپایی بعثه‌ام را بگیرند، برای من مهم دفاع از تشیع و اهل‌بیت(ع) است... یعنی ایشان به بیان حق و حقیقت توجه داشتند، نه مسئله دیگری. ایشان وقتی می‌دیدند که نظر یا عملی درست است، فوراً آن را بازگو و به آن اذعان می‌کردند، حتی اگر قبلاً خودشان نظر دیگری داشتند. روزی نظری درباره فرعی فقهی داشتم و حضرت استاد در آن باره نظر دیگری داشتند. فردای آن روز تا من وارد دفتر شدم، ایشان فرمودند: نظر شما درست بود! واقعاً این ویژگی، صفتی حسنه بود. امروز شاید کمتر فردی را می‌توان یافت که در نزد کوچک‌تر از خودش این‌گونه رفتار کند. حدود ۶، ۷ سال در درس‌شان حاضر شدم و بعد از آن نیز در جلسات مذهبی، علمی و استفتایی‌شان حضور می‌یافتم که در طول این مدت ارتباطم با ایشان بیشتر بود. پس از آن، ایشان برایم اجازه اجتهاد نوشتند و من در سال ۱۳۷۹، به لبنان بازگشتم. قبل از سفر به ایشان گفتم: من موعظه‌ای می‌خواهم. فرمودند: نصیحتی مهم و بزرگ به تو می‌کنم و آن اینکه، هیچ گاه حوزه و نقش روحانی خود را فراموش نکن و آن را ترک نکن و همواره به مسائل حوزوی بپرداز...».

■ وصیتنامه‌ای ماندگار در تاریخ مرجعیت

پس از روایت‌های فوق آمده و به عنوان حُسن ختام، بخشی از وصیتنامه آیت‌الله‌العظمی فاضل لنکرانی را پایان بخش این مقال قرار می‌دهیم که نمادی از اندیشه و عمل آن عالم والامقام به شمار می‌رود:

«حسینیه که به عنوان دفتر اینجانب معروف است، وقف شرعی برای مرحوم آیت‌الله والد (قدس سره) می‌باشد. میل دارم روضه جمعه و دهه اول محرم و ایام فاطمیه، در آنجا برگزار شود و چنانچه به علتی مانند سیل و زلزله و واقع شدن در مسیر خیابان و امثال آنها امکان نداشته باشد، در محل دیگری برگزار نمایید. اموالی را که از این حقیر باقی می‌ماند یا در شهریه طلاب حوزه علمیه قم صرف شود یا در اداره مؤسسه مرکز فقهی ائمه‌اطهار(ع) و تشخیص آن به‌عهده وصی اینجانب می‌باشد البته در شهریه لازم نیست تمام و به نحو کمال داده شود، بلکه به مقدار مصلحت. میل دارم که در لندن که دروازه دنیا و خانه دوم همه کشورهاست، مؤسسه‌ای برای ترویج مکتب اهل‌بیت(ع) و نشر معارف شیعه اثنی عشریه تأسیس گردد. لازم است تذکر دهم که محمدجواد و احمدآقا که سالیان درازی است دفتر اینجانب را به صورت آبرومند اداره می‌کنند و اجرتی دریافت نمی‌نمایند، مورد تشکر اینجانب هستند، چون کار آنها بالمآل مربوط به آقا امام زمان(عجل‌الله تعالی فرجه الشریف) می‌باشد. خانه مسکونی فعلی در محله باجک کوچه هشت متری رضوی، ملک خانواده محترم حاجیه خانم لاجوردی می‌باشد. خانه و لوازم و امکاناتی که در آنجا وجود دارد، از قبیل فرش و ظرف و کولر و امثال آن به ایشان داده شود. وصی حقیر در جمیع موارد فوق، بنده‌زاده محمدجواد می‌باشد و ناظر احمدآقا. چنانچه فرزندان من بخواهند رضایت مرا در آن عالم از دست ندهند، از هرگونه اختلاف بپرهیزند، به خصوص در امور مالی دنیوی بی‌ارزش که موجب از بین رفتن آبروی اینجانب و آبروی خودشان در میان مردم و جامعه می‌باشد و ضمناً معلوم باشد تمام اموالی که به اینجانب ارتباط دارد، هیچ کدام مال شخصی اینجانب نیست، بلکه مربوط به سهمین می‌باشد و هیچ کدام از ورثه در این اموال حقی ندارند...».